



فصلنامه  
مطالعات بین‌المللی

فصلنامه مطالعات بین‌المللی  
سال ۱۸، شماره ۲ (۷۰)، پاییز ۱۴۰۰  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۴  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۲۶  
نوع مقاله: علمی - پژوهشی  
صفحات: ۷-۲۲

## شناسایی امارت اسلامی افغانستان (طالبان) از منظر حقوق بین‌الملل

دکتر ستار عزیزی\*



This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

**چکیده**

گروه طالبان که در معرفی حکومت خود از عنوان «امارت اسلامی افغانستان» استفاده می‌کند، پس از تصرف کابل، رسماً اعضای حکومت موقت خود را معرفی کرد و از سازمان ملل متحد تقاضا کرد تا نماینده آن کشور در سازمان پذیرش شود. در دوره اول حکمرانی طالبان (از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱)، با وجود اعمال حاکمیت موثر آنها بر بخش زیادی از افغانستان، حکومت مذکور از سوی سازمان ملل متحد شناسایی نشد. علی‌رغم خروج نام این گروه از فهرست گروه‌های تروریستی شورای امنیت در سال ۲۰۱۱، کماکان نام بسیاری از مقامات عالی‌رتبه گروه طالبان، در فهرست کمیته تحریم‌های شورای امنیت قرار دارد. شورا نیز در قطعنامه ۲۵۱۳ (۲۰۲۰) تأکید کرده بود که از اعاده حکومت امارت اسلامی افغانستان استقبال نمی‌کند و آن را به رسمیت نمی‌شناسد اما در قطعنامه شماره ۲۵۹۳ (۲۰۲۱) که پس از تصرف کابل توسط طالبان صادر شده است، شورا به موضوع عدم شناسایی امارت اسلامی افغانستان اشاره نکرده است. سوال اصلی پژوهش آن است که «آیا امارت اسلامی افغانستان توسط جامعه بین‌المللی و سازمان ملل متحد شناسایی خواهد شد یا خیر؟». روش بررسی این پژوهش، تحلیلی-توصیفی می‌باشد و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که امارت اسلامی افغانستان، تا زمان اثبات همکاری با دیگر دولت‌ها در مبارزه با گروه‌های تروریستی نظیر داعش و نیز رعایت هنجارهایی مانند حفظ حقوق بشر و زنان و تشکیل حکومتی فراگیر، از سوی جامعه بین‌المللی بویژه دول غربی شناسایی نخواهد شد.

**کلیدواژگان:** امارت اسلامی افغانستان، طالبان، شناسایی حکومت، حاکمیت موثر، مشروعیت دموکراتیک

\* نویسنده مسئول، دانشیار حقوق بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران / ایمیل:

[s.azizi@basu.ac.ir](mailto:s.azizi@basu.ac.ir)

## مقدمه

امارت اسلامی افغانستان در سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ بر بخش اعظم سرزمین افغانستان، اعمال حاکمیت موثر داشت اما جامعه بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و اکثریت غالب دولت‌ها (غیر از سه دولت پاکستان، امارات متحده عربی و عربستان سعودی) آنها را شناسایی نکرده بودند. از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۱ نیز گروه طالبان در فهرست گروه‌های تروریستی شورای امنیت قرار داشت. در سال ۲۰۱۱ میلادی، نام این گروه از فهرست گروه‌های تروریستی خارج شد اما کماکان نام بسیاری از مقامات عالی رتبه گروه طالبان، در «فهرست یکپارچه‌ی شورای امنیت سازمان ملل متحد» قرار دارد که حای نام اشخاص و گروه‌های تروریستی است. متعاقب موافقتنامه دوحه در ۲۹ فوریه ۲۰۲۰ میان ایالات متحده آمریکا و طالبان و پس از آغاز خروج نیروهای آمریکایی و ائتلاف از افغانستان، با سرعتی غیرقابل پیش‌بینی، گروه طالبان توانست بر بخش اعظم آن کشور مسلط شود و کابل را در اختیار گیرد. این گروه، دولت موقت خود را در هفتم سپتامبر ۲۰۲۱ معرفی کرد که در فهرست وزرای دولت موقت، برخی افراد قرار دارند که در فهرست تحریم‌های شورای امنیت قرار دارند که مهمترین آنها، سرپرست وزارت کشور (سراج الدین حقانی) است که رهبر گروه شبکه حقانی است (Bloomberg, 2021: 1).

اکنون، مطالبه اصلی گروه طالبان، شناسایی آنها به عنوان حکومت رسمی طالبان از سوی دیگر دولت‌ها و سازمان ملل متحد است تا بتوانند علاوه بر برقراری رابطه دیپلماتیک با دیگر دولت‌ها از منابع مالی افغانستان در خارج کشور که بلوکه شده است، برخوردار شوند.

روش بررسی این پژوهش، تحلیلی-توصیفی و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است و از کتب و مقالات و سایتهای تحلیلی انگلیسی زبان در تهیه این مقاله استفاده شده است. سوال اصلی پژوهش آن است که «آیا جامعه بین‌المللی با توجه به موازین حقوق بین‌الملل، با شناسایی طالبان به عنوان حکومت مشروع بر افغانستان، موافقت خواهد کرد یا همچون دوره گذشته از شناسایی آن خودداری خواهد کرد؟». هدف این پژوهش، بررسی احتمال شناسایی طالبان از سوی سایر دولت‌ها بویژه دولت‌های غربی و سازمان ملل متحد در پرتو موازین حقوق بین‌الملل است. فرضیه نویسنده آن است که جامعه بین‌المللی در صورتی امارت اسلامی افغانستان را به رسمیت خواهد شناخت که با سایر دولت‌ها در مبارزه با گروه‌های تروریستی نظیر داعش همکاری نماید و ضمن تشکلی دولتی فراگیر متشکل از اقوام و مذاهب مختلف در افغانستان، حقوق زنان و اقلیتها را نیز رعایت نماید. به نظر می‌رسد که جامعه‌ی جهانی منتظر عملکرد طالبان در این ارتباط خواهد بود و شناسایی طالبان بدون رعایت شرایط مذکور، امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین به نظر می‌رسد که

<sup>1</sup>. United Nations Security Council Consolidated List

نظریه «مشروعیت دموکراتیک حکومت» با قرائتی خاص، در شناسایی حکومت طالبان به کار خواهد رفت.

در این مقاله، موضوع شناسایی امارت اسلامی افغانستان، در پرتو نظریه مدرن مشروعیت دموکراتیک حکومت، ارزیابی می‌شود. ابتدا چارچوب نظری بحث، توضیح داده خواهد شد و سپس شناسایی طالبان به عنوان یک حکومت از سوی جامعه بین‌المللی در قالب این نظریه، بررسی می‌گردد.

### ۱- پیشینه

سید حسن میرفخرایی در مقاله‌ای با عنوان «بازگشت طالبان به قدرت، خطری برای صلح و امنیت بین‌الملل» استدلال می‌کند که بازگشت طالبان به قدرت، باعث تقویت اندیشه‌های بنیادگرایانه در افغانستان خواهد شد و آن را تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانست (Mirfakhraei, 2013: 143-170). تفاوت پژوهش حاضر با مقاله آقای میرفخرایی در این است که نامبرده از منظر روابط بین‌الملل به مساله پرداخته است اما در این پژوهش، موضوع شناسایی حکومت احتمالی جدید طالبان از منظر حقوق بین‌الملل بررسی می‌شود.

سوزان مارکس در مقاله‌ای با عنوان «حق بر مشروعیت دموکراتیک به کجا رسیده است؟» به بررسی این موضوع پرداخته است که آیا در نظام فعلی حقوق بین‌الملل، حکومت‌ها برای آنکه از منظر جامعه بین‌المللی واجد شرایط حکومتداری شناخته شده و شناسایی شوند، ملزم هستند که موازین دموکراتیک را رعایت کنند یا خیر؟ (Marks, 2011: 507-524). تمرکز اصلی این مقاله بر عدم مشروعیت حکومت‌هایی است که از طریق کودتای نظامی، حکومت‌های منتخب دموکراتیک را سرنگون می‌کنند مانند آنچه در هائیتی (۱۹۹۴)، سیرالئون (۱۹۹۷) و میانمار (۲۰۲۰) روی داد. تفاوت نگاه مقاله مذکور با پژوهش حاضر در اینجاست که طالبان اصولاً پس از پیروزی در جنگ داخلی به قدرت رسیده است و مبنای تردید دولت‌ها در شناسایی حکومت طالبان، پیوند این گروه با دیگر گروه‌های تروریستی (مانند القاعده و داعش) و نیز نقض حقوق زنان و حقوق بشر است. لری جانسون در گزارشی که سازمان «تنها امنیت» قسمتی از آن را منتشر کرده به موضوع احتمال پذیرش نمایندگان طالبان در سازمان ملل متحد پرداخته است (Johnson, 2021: 10). اما این نوشتار، به بررسی شناسایی طالبان از سوی دیگر دولت‌ها اشاره نکرده است.

ریکا باربر نیز در نوشتاری که در تاریخ اول سپتامبر ۲۰۲۱ در تالار گفتگوی مجله معتبر اروپایی حقوق بین‌الملل، منتشر شده، مساله پذیرش طالبان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد را بررسی

<sup>1</sup>. Democratic Legitimacy of Governments

<sup>2</sup>. Just Security

کرده است (Barner, 2021: 8). نوشته‌های جانسون و باربر حاوی تحلیل‌های مفیدی هستند. تفاوت نوشته باربر با پژوهش حاضر آن است که در این مقاله، علاوه بر سازمان ملل متحد، به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا جامعه بین‌المللی اقدام به شناسایی امارت اسلامی افغانستان خواهد کرد یا نه؟ و طالبان در صورت رعایت چه شرایطی می‌تواند امیدوار به شناسایی خود از سوی سازمان ملل متحد و دیگر دولت‌ها بویژه دول غربی باشد.

نوآوری این مقاله نسبت به مقالات دیگر در آن است که معیار نوین «مشروعیت دموکراتیک حکومت» در شناسایی حکومت‌ها به عنوان چارچوب نظری بحث در شناسایی حکومت طالبان، توضیح داده می‌شود تا در قالب آن، فرضیه‌ی پژوهش مورد آزمون قرار گیرد.

## ۲- چارچوب نظری: مشروعیت دموکراتیک حکومت به عنوان معیار نوین شناسایی

منظور از مشروعیت و شناسایی حکومت، پذیرش آن در عرصه بین‌المللی و خارجی از سوی دیگر دولت‌ها و نیز قبول نمایندگان معرفی شده توسط حکومت مزبور توسط سازمان ملل متحد است.

نظام حقوق بین‌الملل عموماً در خصوص ساختار قانون اساسی کشورها و نوع نظام سیاسی آنها و اینکه ترتیبات حکومتی به چه صورتی سازمان می‌یابد، فاقد حکم است. منشور سازمان ملل متحد نیز ویژگی دموکراتیک حکومت را شرط عضویت در سازمان ملل متحد ندانسته است. رویکرد منشور، منبعث از نظام حقوق بین‌الملل سنتی بود که از تئوری و معیار اعمال «قدرت موثر» در تعیین حکومت‌های حاکم بر دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی استفاده می‌کرد. این تئوری در رای داوری تینوکو (جهت حل و فصل اختلاف میان بریتانیا و کاستاریکا) منعکس شده است (Brownlie, 1982: 199). به موجب این نظریه، هر حکومتی که بر سرزمین و جمعیت یک کشور بتواند به صورت موثر، اعمال قدرت نماید، از سوی دیگر دولت‌ها به رسمیت شناخته خواهد شد.

بر همین اساس بود که «در بحث‌های مقدماتی تدوین منشور در سانفرانسیسکو، این پیشنهاد مطرح شد که حکومت‌های تمامی دول عضو بایستی از ساختار دموکراتیک برخوردار باشند اما این پیشنهاد به لحاظ مداخله در امور داخلی دولت‌های عضو رد شد» (Volger, 2010: 661).

در نظام حقوق بین‌الملل، شناسایی حکومت‌ها منوط به انتخاب حاکمان آن دولت با برگزاری انتخاباتی منصفانه نیست (CAP National Security and International Policy Team, 2016: 8) و حتی نقض مقررات حقوق بشر، موجب نمی‌شود تا نمایندگان آن حکومت از سازمان ملل متحد اخراج شوند. نگاهی به عملکرد سازمان ملل متحد در مواجهه با حکومت‌های ناقض حقوق بشر

<sup>1</sup>. Effective Authority

مانند کره شمالی، میانمار و... نشان از این واقعیت دارد. بنابراین معیار سنتی در شناسایی حکومت‌ها از سوی جامعه جهانی، «کنترل موثر» حکومت جدید بر سرزمین و جمعیت مربوطه، بوده است. در تمام دوران جنگ سرد، شاهد اعمال معیار سنتی «قدرت موثر» در شناسایی حکومت‌های جدید بوده‌ایم. در تمامی موارد تغییر حکومت (اعم از انقلاب، جنگ داخلی یا کودتا)، معیار غالب در شناسایی حکومت جدید، ارزیابی کنترل موثر قدرت بر سرزمین آن کشور، از سوی حاکمان جدید بوده است (Weller, 2021: 5).

پس از پایان جنگ سرد، توماس فرانک در مقاله‌ای با عنوان «حق در حال ظهور بر حکومت دموکراتیک»، مدعی شد که در نظام جدید حقوق بین‌الملل، ملاک شناسایی حکومت‌های جدید، التزام آنها به رعایت موازین دموکراتیک است. (Frank, 1992: 48). ادعای او با تکیه بر برخی تغییرات در رویه‌ی دولت‌ها در عدم شناسایی حکومت‌هایی بود که با کودتای نظامی روی کار آمده‌اند.

لازم به ذکر است که اولین واکنش سازمان ملل متحد و دولت‌ها به کودتای نظامی علیه حکومت منتخب آریستید روی داد. «مجموعه تحریم‌هایی علیه نظامیان وضع شد و در نهایت با مداخله نظامی ملل متحد، آریستید به قدرت بازگشت» (Marks, 2011: 520). در قاره آفریقا نیز پس از پایان جنگ سرد، شاهد تغییر موضع اتحادیه آفریقایی هستیم. اتحادیه در واکنش به کودتاهای نظامی روی داده در کشورهای توگو (۲۰۰۵)، کومور (۲۰۰۷)، گینه (۲۰۰۹)، ماداگاسکار (۲۰۰۹)، نیجر (۲۰۱۰)، مصر (۲۰۱۲)، مالی (۲۰۱۲)، گینه بیسائو (۲۰۱۲)، جمهوری آفریقای مرکزی (۲۰۱۳)، بورکینافاسو (۲۰۱۵)، عضویت آن دولت‌ها را در سازمان، تعلیق کرد و حتی تحریم‌هایی را علیه آنها وضع نمود (Wet, 2019: 473). این در حالی بود که پس از استقلال کشورهای آفریقایی در نتیجه‌ی استعمارزدایی، در بسیاری از آن کشورها، کودتاهای بیشماری از اواخر دهه ۱۹۶۰ تا اوایل دهه ۱۹۸۰ اتفاق افتاد و حکومت ناشی از کودتا پس از مدتی حکمرانی با کودتای بعدی، سرنگون می‌شد. مثلاً در هر یک از کشورهای بنین، بورکینافاسو و نیجر به تازگی کودتا روی داده است (McGowan, 2003: 345). در تمامی این موارد، نمایندگان دولت ناشی از کودتا در سازمان ملل متحد و سازمان وحدت آفریقا پذیرفته می‌شدند. اما این رویه با پذیرش نظریه مشروعیت دموکراتیک حکومت، در مورد حکومت‌های ناشی از کودتا تغییر کرد و جامعه جهانی از شناسایی آنها خودداری کرد (Roth, 2010: 435).

اما واکنش جامعه جهانی به تغییر حکومت در نتیجه‌ی جنگ داخلی متفاوت بوده است. جهان بارها شاهد تغییر حکومت‌ها در نتیجه جنگ داخلی بوده است. جنگ داخلی کوتاه مدت کاستاریکا در سال ۱۹۴۴، جنگ داخلی چین که با پیروزی کمونیستها در سال ۱۹۴۹ به پایان رسید، به قدرت رسیدن کاسترو در سال ۱۹۵۹ پس از جنگ با رژیم باتیستا، تغییر حکومت دیکتاتوری حسن‌هابره

در چاد در سال ۱۹۹۰، برکناری هایله ماریام در اتیوپی در سال ۱۹۹۱ و سقوط قذافی در ۲۰۱۱ حاصل جنگ داخلی بودند. در تمامی این موارد از حکومت جانشین در جامعه بین‌المللی استقبال شده است و نمایندگان معرفی شده توسط حکومت‌های جدید در سازمان ملل پذیرفته شدند. جالب توجه است تنها موردی که جامعه بین‌المللی، مشروعیت حکومتی را پس از به قدرت رسیدن ناشی از جنگ داخلی به رسمیت نشناخته، گروه طالبان بوده است. در ادامه، واکنش جامعه جهانی و سازمان ملل متحد به عدم شناسایی حکومت طالبان در دوره اول (۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱) را بررسی می‌کنیم و سپس به بررسی امکان شناسایی طالبان در دوره جدید خواهیم پرداخت. بنابراین در رویه دولتها (غیر از مورد طالبان)، از نظریه «مشروعیت دموکراتیک»، تنها در عدم شناسایی حکومت‌هایی استفاده شده است که «حکومت منتخب دموکراتیک»، با استفاده از کودتای نظامی، از قدرت خلع شده باشد. در این موارد، جامعه جهانی، غالباً از شناسایی حکومت کودتا، خودداری کرده اما در سایر گونه‌های تغییر حکومت، از نظریه کنترل موثر، در شناسایی حکومتها استفاده شده است.

### ۳- تاریخچه موضع جامعه بین‌المللی در مورد شناسایی حکومت اول طالبان

طالبان در ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۶، کابل را به تصرف خود درآوردند و طی ماههای بعد، موفق شدند بر بیش از ۹۰ درصد خاک افغانستان تسلط یابند. «نام رسمی دولت افغانستان از سوی طالبان به «امارت اسلامی افغانستان» تغییر یافت» (Wolftrum, 2002: 566). مخالفان، حاکمیت طالبان را نپذیرفتند و «گروه‌های مختلفی از مجاهدین شامل گروه ژنرال دوستم، جمعیت اسلامی (شامل گروه ربانی، احمدشاه مسعود، عطاء نور و اسماعیل خان) در ائتلافی موسوم به «جبهه متحد اسلامی برای آزادسازی افغانستان» و یا ائتلاف شمال به مقاومت خود در برابر طالبان در ولایات پنجشیر، تخار و بدخشان ادامه دادند» (Ibrahim, 2017: 947-948).

وکیل احمد متوکل وزیر خارجه وقت طالبان پس از تصرف کابل در تاریخ دهم اکتبر ۱۹۹۶ نامه‌ای به سازمان ملل متحد نوشت و خواهان شناسایی امارت اسلامی افغانستان به عنوان تنها حکومت مشروع افغانستان شد (Wolftrum, 2002: 566)، اما در نامه متوکل، نمایندگان طالبان برای حضور در سازمان ملل متحد معرفی نشده بودند. «کمیته بررسی اعتبارنامه»، تصمیم گرفت تا تصمیم در مورد نمایندگان افغانستان در سازمان را به تعویق اندازد. «نتیجه عملی این تصمیم، آن بود که نمایندگان دولت ربانی به فعالیت خود در مجمع عمومی ادامه دادند» (Barber, 2021: 10). تصمیم

<sup>1</sup>. Democratically elected government

<sup>2</sup>. Credentials Committee

کمیته متأثر از فضای عمومی سازمان در عدم پذیرش طالبان به عنوان حکومت مشروع افغانستان در جهان بود زیرا تنها دولت‌های عربستان سعودی، پاکستان و امارات متحده عربی طالبان را شناسایی کرده بودند و این دولت‌ها نیز پس از شروع تحریم‌های سازمان ملل متحد، شناسایی خود را پس گرفتند.

در این سالها، عملکرد دولت موسوم به امارت اسلامی افغانستان در مورد رعایت حقوق بشر و حقوق زنان، مورد انتقاد شدید مجامع حقوق بشری بود. طالبان مقررت سختگیرانه‌ای در مورد تحصیل و کار زنان وضع کرده و آنها را بسیار محدود کرده بودند اما مشکل اساسی غریبه‌ها با طالبان، پس از آن آغاز شد که میان القاعده و آنها رابطه‌ای نزدیک برقرار گردید.

لازم به ذکر است که پس از اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۷۹، آمریکاییها با حمایت از نیروهای اسلامگرا در دهه ۱۹۸۰ و با شعار مبارزه با کفار کمونیست، هجوم اسلامگرایان بنیادگرا از سراسر کشورهای خاورمیانه به افغانستان را تسهیل کردند. فرزندان بسیاری از اعضای همین گروهها به دلیل سکونت در افغانستان با دختران و پسران افغان ازدواج کردند و نوعی رابطه خانوادگی و فامیلی میان این افراد بنیادگرا با برخی از مجاهدین ایجاد شد. به همین خاطر است که گروه موسوم به حقانی از فراکسیونهای مهم طالبان، پیوندهای خویشاوندی با اعضای القاعده دارند. «رهبر این گروه، سراج الدین حقانی معاون اول رهبر طالبان (هیبت‌الله آخوندزاده)، بیشترین ارتباطات را با گروههای تروریستی نسبت به دیگر شاخه‌های طالبان دارند» (Twelfth

Report of the Analytical Support and Sanctions Monitoring Team submitted pursuant to resolution 2557, (2020): Concerning the Taliban and other Associated Individuals and Entities Constituting a Threat to the Peace Stability and Security of Afghanistan, para. 40).

با روی کار آمدن طالبان در سال ۱۹۹۶، امکانات حکومتی نیز در اختیار این گروههای تندرو و بنیادگرا قرار گرفت. در واقع آنها به یکدیگر کمک متقابل می‌کردند. بن‌لادن از طالبان پشتیبانی مالی می‌کرد و شبه نظامیان وفادار به اسامه بن لادن در صفوف طالبان می‌جنگیدند. طالبان نیز در سوی مقابل، سرزمین افغانستان را جهت تاسیس پایگاه نظامی و آموزشگاه‌های نیروهای القاعده در اختیار آنها قرار داده بود. در نتیجه این امر، القاعده مکانی امن در افغانستان پیدا کرد (Mojtahed-Zadeh, 2017: 65).

به دنبال حملات تروریستی القاعده به برجهای دوقلوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ایالات متحده آمریکا عملیات پاکسازی تروریستها از خاک افغانستان را که با عنوان «عملیات آزادی پایدار» نامگذاری شده بود، در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۱ آغاز کرد. مبنای قانونی حمله آمریکا، قطعنامه ۱۳۶۸ مورخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت بود که با پذیرش حق ذاتی دفاع

<sup>1</sup>. Operation Enduring Freedom

مشروع فردی و دسته جمعی، مجوز حمله به افغانستان را به آمریکا و متحدانش داد. با حمایت نیروهای نظامی آمریکا و دولت‌های ائتلاف، جبهه اتحاد شمال توانست ولایات مختلف افغانستان را از چنگال طالبان رها کند (Bellal & et.al, 2011: 47) و به حکومت طالبان پایان دهد.

#### ۴- ارزیابی احتمال شناسایی دولت جدید طالبان

جهت ارزیابی احتمال شناسایی طالبان باید به مواضع این گروه، قبل از بازپس‌گیری قدرت اشاره کنیم که باعث شد تا طالبان از فهرست گروه‌های تروریستی مندرج در قطعنامه‌های شورای امنیت حذف شود و زمینه حقوقی برای انعقاد توافقنامه دوحه میان آمریکا با طالبان را ایجاد کرد. لازم به ذکر است که طالبان پس از یک دوره فترت از زمان سرنگونی در سال ۲۰۰۱ توانست از سال ۲۰۱۱ شبکه‌های مخفی گسترده‌ای را در افغانستان ایجاد کند و حتی کنترل برخی مناطق دوردست را نیز به دست آورد. (Bizhan, 2017: 5). نفوذ طالبان در جامعه افغانستان و نارضایتی از عملکرد دولت که موجب کاهش کمک‌های بین‌المللی از ۲۰۱۰ به این سو شد، باعث گردید تا آمریکاییها به تدریج به این نتیجه برسند که باید با طالبان وارد مذاکره شوند (Jackson, 2018: 6). فساد گسترده مقامات دولتی افغانستان و برگزاری نامطلوب انتخابات (بویره ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۹ که با تقلب گسترده همراه بود)، بر نارضایتی مردم افزود (Kraemer, 2010: 638).

در فاصله بین سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ مقامات طالبان در مذاکرات خود با طرفهای میانجی به این نکته اذعان داشتند که باید با دولت جمهوری اسلامی افغانستان به توافق صلح دست یابند. آنها این ادعا را رد کردند که به دنبال اعمال قدرت انحصاری بر افغانستان هستند و حتی در طول مذاکرات در قطر پذیرفتند که «مخالفان امارت اسلامی افغانستان را نمی‌توان حذف کرد و نادیده گرفت» (Osman and Gopal, 2016: 6).

این مسائل باعث شد تا شورای امنیت طی قطعنامه ۱۹۸۸ که در ۱۷ ژوئن ۲۰۱۱ به تصویب رسید، به تقاضای خود دولت افغانستان و جهت تسهیل مذاکرات صلح با طالبان، کمیته تحریمها را به دو کمیته جداگانه تقسیم کند. کمیته اول، به تحریمهای وضع شده علیه گروه القاعده اختصاص پیدا کرد اما کمیته دوم ناظر به تحریم علیه آن دسته از افراد و نهادهای وابسته به طالبان است که تهدیدی علیه صلح و امنیت افغانستان به شمار می‌روند (S/RES/1988, para.1). بنابراین طالبان به عنوان یک گروه از فهرست تحریمهای سازمان ملل متحد بیرون آمد و به زعم شورا، دیگر طالبان به مثابه یک گروه، تهدیدی علیه صلح و امنیت افغانستان و جامعه جهانی به شمار نمی‌رود.

اولین اقدام با هدف برقراری مذاکرات صلح بین طالبان و گروه‌های افغان در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما صورت گرفت. مقامات واشنگتن در سال‌های ۲۰۱۱، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ چند بار به این اقدام متوسل شده، اما تمام این اقدامات ناکام ماندند. «دولت باراک اوباما در ۲۸ دسامبر



۲۰۱۴ به ماموریت جنگی نظامیان آمریکا در افغانستان موسوم به «آزادی پایدار» پایان داد و بدین ترتیب ماموریت نیروهای آیساف نیز خاتمه یافت» (Soheili Najafabadi and et.al, 2020: 178) و کلیه مسئولیت‌های امنیتی به دولت افغانستان منتقل شد، اما نیروهای امنیتی افغانستان در حفظ امنیت موفق نبودند و طرح عقب نشینی نیز به شکست انجامید و بار دیگر نیروهای آمریکایی همچنان در افغانستان به حضور خود ادامه دادند (Bizhan, 2017: 5).

طرح خروج کامل آمریکا از افغانستان و توافق با طالبان به صورت کاملاً جدی در دوران زمامداری ترامپ مطرح شد و زلمای خلیل زاد نماینده او در مذاکرات با طالبان بود که خود جمهوریخواه است اما دولت بایدن نیز به دلیل تابعیت اولیه افغانی او، ماموریتش را تمدید کرده است.

با تلاش‌های خلیل زاد، دو سند، یکی با عنوان بیانیه مشترک جمهوری اسلامی افغانستان و ایالات متحده آمریکا (فوریه ۲۰۲۰) و دیگری موافقتنامه میان طالبان و ایالات متحده در ۲۹ فوریه ۲۰۲۰ منتشر شد. آمریکا متعهد شده بود که اجرای مفاد آنها را نیز از طریق شورای امنیت پیگیری کند. بر اساس همین تعهد است که مفاد هر دو سند با عنوان ضمیمه الف و ضمیمه ب به قطعنامه شماره ۲۵۱۳ مورخ ده مارس ۲۰۲۰ ضمیمه شده است (S/RES/2513: para.1).

مضمون کلی این موافقتنامه‌ها آن است که آمریکا نیروهایش را از افغانستان خارج می‌کند. در مقابل، هم جمهوری اسلامی افغانستان و هم طالبان متعهد می‌شوند که سرزمین افغانستان، محل فعالیت گروه‌های تروریستی مانند القاعده و داعش نباشد و طرفین برای رسیدن به راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای تشکیل دولتی فراگیر گفتگو کنند. موافقتنامه میان آمریکا و طالبان دارای چهار بخش است:<sup>۲</sup>

بخش الف: طالبان باید تضمین دهد که هیچ گروه و یا فردی از خاک افغانستان جهت تهدید منافع آمریکا و متحدان آن استفاده نخواهد کرد.

بخش ب: نیروهای آمریکایی تا اول سپتامبر ۲۰۲۱ از افغانستان خارج خواهند شد.

بخش ج: مذاکرات بین الافغانی از ۱۰ مارس ۲۰۲۰ آغاز خواهد شد. برای نشان دادن حسن نیت، آمریکا از جانب دولت مرکزی افغانستان متعهد می‌شود تا پنج هزار زندانی افغان از زندانهای دولت آزاد شوند و در مقابل، طالبان نیز هزار نفر از زندانیان دولتی را آزاد می‌کنند. لازم به ذکر است که ۴۰۰ نفر از میان آن پنج هزار نفر، زندانیان بسیار خطرناک بودند که آزادی آنها باید با

<sup>۱</sup>. Enduring Freedom

<sup>۲</sup>. جهت مطالعه متن انگلیسی این موافقتنامه به این آدرس مراجعه کنید:

رضایت لویه جرگه انجام شد و قبلاً لویه جرگه نسبت به آزادی آنها اکراه داشت اما دولت مرکزی به این تعهد عمل کرد. همچنین طالبان توانست انس حقانی، بنیان‌گذار شبکه حقانی و معاون ملاهیت الله آخوندزاده رهبر این گروه را از زندان ریاست امنیت ملی افغانستان آزاد و با خود به قطر ببرند. همچنین برای آنکه اعضای بلند پایه طالبان بتوانند در مذاکرات صلح در دوحه شرکت کنند نام ۱۴ نفر از مقامات بلند پایه طالبان از فهرست تحریم‌های شورای امنیت به مدت سه ماه کنار گذاشته شده است.

بخش د: آتش بس دائم و جامع باید در دستور کار مذاکرات صلح قرار گیرد.

نکته قابل توجه در مورد موافقتنامه میان آمریکا و طالبان به این موضوع مربوط می‌شود که در چندین جای این موافقتنامه، پس از بیان عنوان «امارت اسلامی افغانستان» تاکید شده است که آمریکا این عنوان را به رسمیت نمی‌شناسد و با طرف مقابل با عنوان «طالبان» موافقتنامه امضا می‌کند. با وجود این، در بند ۵ قسمت دوم این موافقتنامه، طالبان متعهد شده است «که ویزا و پاسپورت در اختیار کسانی قرار ندهد که تهدیدی علیه امنیت ایالات متحده هستند» (Agreement for Bringing Peace to Afghanistan between the Islamic Emirate of Afghanistan which is not recognized by the United States as a state and is known as the Taliban and the United States of America, 2020: Part Two, Para.5).

این در حالی است که تنها دولت‌ها اختیار صدور ویزا و پاسپورت را دارند. حال این سوال مطرح می‌شود که آیا آمریکاییها خواهان آن بوده و یا پیش‌بینی می‌کردند که طالبان به زودی به قدرت خواهند رسید؟ همچنین در موافقتنامه منتشر شده میان طالبان و آمریکا آمده است «ایالات متحده و طالبان سعی می‌کنند روابط ایجابی با هم داشته باشند و روابط آتی میان آمریکا و حکومت اسلامی جدیدی که پس از حل و فصل اختلافات بین الافغانی تعیین می‌شود، رابطه‌ای مثبت و ایجابی باشد و ایالات متحده نیز به دنبال همکاری اقتصادی برای بازسازی افغانستان پس از انجام مذاکرات خواهد بود...» (Agreement for Bringing ..., 2020: Part Three, para.2).

نکته قابل توجه آن است که در بند پایانی این موافقتنامه نیز از واژه حکومت اسلامی به جای جمهوری اسلامی استفاده شده است. بنابراین به نظر می‌رسد که آمریکا با انعقاد موافقتنامه ۲۰۲۰ به طالبان برای آغاز حملات خود به نیروهای دولتی، چراغ سبز نشان داده و متعهد شده بود که روابط ایجابی با حکومت بعدی داشته باشد و به بازسازی افغانستان کمک نماید.

قطعه‌نامه شماره ۲۵۱۳ شورای امنیت که در تاریخ دهم مارس ۲۰۲۰ به اتفاق آراء تصویب شد، در روند تحولات جاری افغانستان بسیار تاثیرگذار بود. شورای امنیت در مقدمه قطعه‌نامه، از روند حل و فصل سیاسی مساله جنگ در افغانستان استقبال کرد که با انعقاد موافقتنامه ۲۹ فوریه ۲۰۲۰ میان طالبان و ایالات متحده آغاز شده بود. شورا، آن موافقتنامه را به قطعه‌نامه ضمیمه کرده و

حمایت خود را از آن اعلام کرد. همچنین شورای امنیت میان طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی مانند القاعده و داعش تمایز قائل شد و از تعهد طالبان مبنی بر اینکه مانع استفاده از سرزمین افغانستان جهت تهدید علیه همسایگان شود و با دیگر گروه‌های تروریستی قطع رابطه کند، استقبال کرد (S/RES/2513, 2020). جالب توجه است که شورا به صورت ضمنی خواستار جذب طالبان در حکومت جمهوری اسلامی افغانستان بود زیرا به صراحت اعلام کرد: «امارت اسلامی افغانستان» از سوی ملل متحد به رسمیت شناخته نشده است و شورای امنیت نیز از اعاده حکومت امارت اسلامی افغانستان حمایت نمی‌کند (S/RES/2513, 2020). قطعنامه مهم دیگری، در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ به تصویب رسید. شورا در این قطعنامه (شماره ۲۵۴۳) بر لزوم مشارکت معنادار زنان، جوانان و اقلیتهای قومی و مذهبی افغانستان در روند صلح این کشور، تاکید کرد (S/RES/2543, 2020).

همچنین در جلسه شورای امنیت در روز ۶ اوت ۲۰۲۱ و در گرماگرم پیش روی طالبان در ولایات مختلف افغانستان، نماینده ویژه دبیر کل در امور سازمان ملل متحد از دولت‌ها خواست به طالبان یادآور شوند که حکومت تشکیل شده بر مبنای زور را نخواهند پذیرفت. جالب توجه است که علاوه بر ایالات متحده و دیگر دولت‌های غربی، چین نیز اعلام کرد که هیچ حکومتی نباید بر مبنای زور تشکیل شود. (S/PV/8831, 2021). در ۱۲ اوت و تنها سه روز قبل از تصرف کابل، نمایندگان چند دولت بزرگ و همسایگان افغانستان از جمله ایالات متحده، بریتانیا، چین، آلمان، هندوستان، نروژ، پاکستان، قطر، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان، ازبکستان و نیز نماینده سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا در بیانیه پایانی خود تاکید کردند: «آنها هیچ حکومتی در افغانستان که بر اساس زور به قدرت رسد را شناسایی نخواهند کرد» (Barner, 2021: 4).

به نظر می‌رسد که تا قبل از رسیدن طالبان به نزدیک کابل و فرار اشرف غنی، دولت‌های بزرگ و همسایه همچنان بر این نکته تاکید داشتند که امارت اسلامی افغانستان را شناسایی نخواهند کرد و تنها از پیشبرد مذاکرات میان جمهوری اسلامی افغانستان با طالبان حمایت می‌کردند اما پس از فرار رییس جمهور افغانستان و کنترل عملی کابل به دست طالبان، موضع جامعه بین‌المللی تغییر کرد. نشانه‌های تغییر موضع جامعه بین‌المللی را می‌توان در قطعنامه شماره ۲۵۹۳ مشاهده کرد. در این قطعنامه، برخلاف قطعنامه‌های پیشین، گزاره عدم شناسایی امارت اسلامی افغانستان حذف شده است و شورا، اولاً بر این نکته تاکید کرده است که سرزمین افغانستان نباید ملجاء و پناهگاهی برای گروه‌های تروریستی مذکور در قطعنامه ۱۲۶۷ باشد و ثانیاً به اهمیت رعایت حقوق بشر از جمله حقوق زنان، کودکان و اقلیتها اشاره کرده و خواستار حفظ دستاوردهای بیست سال اخیر در حوزه های فوق الذکر در افغانستان شده است (S/RES/2593, 2021: para.4).

همانطور که در چارچوب نظری مقاله گفته شد، اصولاً در نظام حقوق بین‌الملل از نظریه «کنترل موثر» جهت شناسایی حکومت‌های جدید استفاده می‌شود مگر آنکه نظامیان با انجام کودتا، حکومت دموکراتیک مستقر را از قدرت، ساقط کرده باشد اما در موارد تغییر حکومت در نتیجه‌ی انقلاب یا جنگ داخلی (همچون مورد افغانستان)، حکومت جدید مورد شناسایی قرار گرفته است. اما در مورد طالبان، موضع جامعه جهانی از جمله سازمان ملل متحد متفاوت بوده است

در دوره اول زمامداری طالبان، سازمان ملل متحد همچنان نمایندگان ائتلاف شمال را علیرغم آنکه کنترل موثری بر کشور نداشتند، به رسمیت شناخته بود. در طول بیست سال اخیر نیز شورای امنیت تأکید کرده بود که از اعاده حکومت امارت اسلامی افغانستان حمایت نمی‌کند و آن را به رسمیت نمی‌شناسد. در واقع، در مورد طالبان، شورا از نظریه رقیب، یعنی مشروعیت دموکراتیک در امر شناسایی طالبان بهره برد. هرچند پس از بازگشت مجدد طالبان به قدرت، شورای امنیت در قطعنامه شماره ۲۵۹۳ مصوب ۳۰ اوت ۲۰۲۱ به واقعیت موجود در افغانستان و کنترل موثر آن کشور از سوی طالبان توجه کرد و این بار، شورا به عدم شناسایی امارت اسلامی افغانستان، اشاره نکرده است اما عناصر نظریه مشروعیت دموکراتیک را در احتمال شناسایی طالبان لحاظ کرده است. به این معنا که طالبان باید این دو خواسته‌ی ذیل را محقق سازند:

الف: قطع پیوندهای طالبان با گروه‌های تروریستی از جمله القاعده و داعش و همکاری با جامعه بین‌المللی در مقابله با آنها

ب: تشکیل حکومتی فراگیر و متشکل از تمام اقوام و گروه‌ها و رعایت حداقلی معیارهای حداقلی مربوط به تامین حقوق زنان و حقوق بشر  
شرط دوم ناظر به رعایت الزامات حداقلی حکومت‌های دموکراتیک است. دولت‌های بزرگ و همسایه طالبان و نیز سازمان ملل متحد بر آن هستند تا با استفاده از حربه عدم شناسایی، به عنوان ابزاری برای تغییر رفتار طالبان، استفاده کنند. بنابراین برخلاف بار اول که نظامی جایگزین در افغانستان با عنوان ائتلاف شمال وجود داشت و بسیاری از دولت‌ها، آن حکومت را به عنوان نماینده مردم افغانستان شناسایی کرده بودند، این بار سخن از شناسایی حکومت رقیب طالبان نیست بلکه بسیاری از کشورها اعلام کرده‌اند که منتظر رویکرد عملی طالبان می‌مانند و پس از آن در مورد شناسایی امارت اسلامی افغانستان، تصمیم خواهند گرفت.

گفته می‌شود که بنیادهای فکری طالبان در طول زمان تغییر یافته است و میان طالبان و گروه‌های افراطی مانند داعش، تفاوت وجود دارد. گروهی معتقدند که طالبان به دنبال برپایی حکومتی اسلامی و اجرای مقررات شریعت در محدوده سرزمین افغانستان هستند اما گروه‌هایی مانند داعش و القاعده به دنبال تشکیل حکومت جهانی اسلامی هستند. بنابراین ممکن است طالبان، روابط خود

را با این گروه‌های تندرو قطع کند.

اما به نظر می‌رسد که بنیادهای فکری گروه طالبان، برگرفته از قرائت اسلام سلفی است و از این منظر، تفاوت‌های بنیادی با تفکر گروه‌هایی نظیر داعش و القاعده ندارند. در آخرین گزارش کمیته نظارت بر تحریم‌های شورای امنیت نیز آمده است که هرچند در حال حاضر القاعده در برقراری ارتباط با طالبان احتیاط می‌کند و نمی‌خواهند که موقعیت بین‌المللی طالبان به این واسطه در خطر افتد، اما همچنان شواهدی از روابط پنهان میان طالبان و القاعده وجود دارد و کمیته مدعی است که عوامل القاعده کماکان در ۱۵ ولایت افغانستان بویژه در ولایات واقع در شرق، جنوب و جنوب شرق افغانستان حضور دارند. (Twelfth report of the Analytical Support and Sanctions Monitoring Team, 2020, para.42). مضاف بر آنکه «با بازگشت طالبان به قدرت، مدارس مذهبی پرورش دهنده افکار بنیادگرایانه، بار دیگر رونق خواهند گرفت و زمینه برای تقویت افکار تندورانه، مساعد خواهد شد» (Mirfakhraei, 2013: 162).

در هر حال، به نظر می‌رسد که غالب دولتها بویژه دول غربی به سرعت در مورد شناسایی «امارت اسلامی افغانستان» تصمیم نخواهند گرفت و منتظر عملکرد آتی طالبان می‌مانند و از ابزارهای اقتصادی و تحریم‌ها به عنوان چماق؛ و از عامل شناسایی و اعطای کمک‌های اقتصادی به عنوان هویج استفاده خواهند کرد. نباید فراموش کرد که هم اکنون نام بسیاری از مقامات بلندپایه گروه طالبان در فهرست تحریم‌های سازمان ملل متحد قرار دارد و رفع این تحریم‌ها مستلزم موافقت اعضای دائم آن شورا است. اگر طالبان نتواند موافقت دولت‌های غربی عضو دائم شورا را به دست آورد، به صرف کسب رضایت دولت‌های چین و روسیه امیدوار به رفع تحریم‌های بین‌المللی علیه خود نباید بود. طالبان در مذاکرات چند سال اخیر خود، بارها اصرار کرده است که تحریم‌ها علیه این گروه و رهبران آن رفع شود. و رفع این تحریم‌ها و شناسایی طالبان منوط به تامین دو شرط گفته شده خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

گروه طالبان که حکومت خود را «امارت اسلامی افغانستان» می‌خواند در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ قدرت عملی را در افغانستان در دست داشت اما جز سه دولت عربستان سعودی، امارات متحده عربی و پاکستان، هیچ دولت دیگری آنها را به رسمیت نشناخت و نمایندگان دولت افغانستان در سازمان ملل متحد از سوی ائتلاف شمال به رهبری برهان‌الدین ربانی معرفی شدند. پس از موافقت نامه دوحه ۲۰۲۰ میان گروه طالبان و ایالات متحده آمریکا، نیروهای آمریکایی و ناتو خاک افغانستان را ترک کردند و این امر به طالبان این جسارت را بخشید که بدون انجام مذاکره با دولت مرکزی افغانستان وارد کابل شود و دولت موقت خود را معرفی نماید.

طالبان بار دیگر «حکومت امارت اسلامی» را در سال ۲۰۲۱ تشکیل داده است، و این بار می‌داند که عدم شناسایی از سوی جامعه بین‌المللی و تداوم تحریم‌های شورای امنیت، مهمترین موانع بر سر راه موفقیت آن گروه در اداره افغانستان خواهد بود. با وجود آنکه معیار غالب در شناسایی دولت‌ها در نظام حقوق بین‌الملل، «کنترل موثر» بر سرزمین کشور مربوطه می‌باشد اما جامعه جهانی در مورد طالبان (در دوره‌های اول و دوم حکمرانی گروه) از نظریه «مشروعیت دموکراتیک» استفاده کرده است. دو شرط اساسی جامعه بین‌المللی برای شناسایی حکومت امارت اسلامی افغانستان عبارتند از:

اولاً طالبان باید تمامی پیوندهای خود با گروه‌های تروریستی نظیر القاعده و داعش را قطع کند به حضور این نیروها در خاک افغانستان پایان دهد و مانع استفاده از خاک افغانستان برای آسیب زدن به منافع دیگر کشورها شود. ثانیاً حکومتی فراگیر و متشکل از تمام اقوام و گروه‌ها تشکیل دهد که در آن، معیارهای حداقلی مربوط به حقوق زنان و حقوق بشر، رعایت گردد.

نظر به این واقعیت که در فهرست کنونی تحریم‌های شورای امنیت، نام مقامات عالی رتبه طالبان کماکان وجود دارد و با توجه به اینکه خروج این افراد از فهرست تحریم‌ها مستلزم موافقت تمامی اعضای دائم شورای امنیت می‌باشد، به نظر می‌رسد که دولت‌های غربی و بسیاری از دیگر دولت‌ها در شناسایی امارت اسلامی افغانستان، تعجیل نخواهند کرد و از ابزار حفظ تحریم‌ها به عنوان عامل فشاری جهت تغییر رفتار طالبان و تامین شروط فوق‌الذکر، استفاده خواهند کرد.

شرط اول، در راستای حفظ امنیت بین‌المللی در نظر گرفته شده است و با توجه به سابقه منفی طالبان در گذشته (به دلیل همکاری با القاعده) وضع شده است. شرط دوم نیز که در دوران حکومت گذشته طالبان نیز وجود داشت، حاکی از پذیرش نظریه مشروعیت دموکراتیک در مورد شناسایی امارت اسلامی افغانستان است و مورد افغانستان را باید تنها نمونه در اعمال این نظریه در خصوص دولتهایی دانست که متعاقب جنگ داخلی به قدرت می‌رسند. زیرا رویه دولتها نشان می‌دهد که آنها از این نظریه تنها در عدم شناسایی حکومت‌هایی استفاده کرده بودند که متعاقب کودتای نظامی علیه حکومت‌های منتخب دموکراتیک، به قدرت رسیده بودند.

## References

1. Agreement for Bringing Peace to Afghanistan between the Islamic Emirate of Afghanistan which is not recognized by the United States as a state and is known as the Taliban and the United States of America. (2020). at: <https://www.state.gov/wp-content/uploads/2020/02/Agreement-For-Bringing-Peace-to-Afghanistan-02.29.20.pdf>

2. Barber, R. (2021). Will the Taliban Represent Afghanistan at the UN General Assembly, at: <https://www.ejiltalk.org/will-the-taliban-represent-afghanistan-at-the-un-general-assembly/>
3. Bellal, A., Giacca, G., and Casey-Maslen, Stuart (2011). International law and armed non-state actors in Afghanistan. *International Review of the Red Cross*, 93(88),47-99.
4. Bizhan N. (2017). Building legitimacy and state capacity in protracted fragility: The Case of Afghanistan, at: <https://www.theigc.org/wpcontent/uploads/2018/04/afghanistan-report-v3.pdf>
5. Brownlie, I. (1982). Recognition in Theory and Practice. *British Yearbook of International Law*. 53(1)197–211. doi: 10.1093/bybil/53.1.1
6. CAP National Security and International Policy Team. (2016). State Legitimacy, Fragile States, and U.S. National Security, At:: <https://cdn.americanprogress.org/wp-content/uploads/2016/09/08062435/StateLegitimacy-report.pdf>
7. Franck, T. (1992). The Emerging Right to Democratic Governance. *American Journal of International Law*. 86(1) 46-91. doi: 10. 2307/2203138
8. Ibrahim, Y. (2017). The Taliban`s Islamic Emirate of Afghanistan (1996–2001): War making and State-Making as an Insurgency Strategy. *Small Wars & Insurgencies*. 28(6), 947–972. doi:10.1080/09592318.2017.1374598.
9. Jackson, A. (2018). Life under the Taliban shadow government, Embassy of Denmark Kabul, At: <https://cdn.odi.org/media/documents/12269.pdf>
10. Johnson, L. (2021). Export Backgrounder: How Can the Taliban Be Prevented From Rrepresenting Afghanistan In The United Nations, at: <https://www.justsecurity.org/77806/expert-backgrounder-how-can-the-taliban-be-prevented-from-representing-afghanistan-in-the-united-nations/>
11. Kraemer, R. (2010). Towards state legitimacy in Afghanistan. *International Journal*, 65(3), 637-651. doi:10.1177/002070201006500307
12. Marks, S. (2011). What has Become of the Emerging Right to Democratic Governance??. *European Journal of International Law*, 22(2) 507–524. doi: 10. 1093/ejil/chr023
13. McGowan, P. (2003). African military coups d'état, 1956–2001: frequency, trends and distribution, *The Journal of Modern African Studies*, 41(3), 339 -370. doi: 10.1017/S0022278X0300435
14. Mirfakhraei, S. (2013). Taliban return to power: Threat to international peace and security, *Journal of Political and International Studies*,4(15), 143-170. **(in Persian)**

15. Mojtahed-Zadeh, P. (2017). Knowing Afghanistan: Can there be an end to the saga?. *International Studies Journal (ISJ)*, 13(4), 63-76.
16. Osman B. and Gopal A. (2016). Taliban Views on a Future State, Center on International Cooperation, At: [https://cic.nyu.edu/sites/default/files/taliban\\_future\\_state\\_final.pdf](https://cic.nyu.edu/sites/default/files/taliban_future_state_final.pdf)
17. Roth B. (2010). Secessions, Coups, and the International Rule of Law: Assessing the Decline of the Effective Control Doctrine. *Melbourne Journal of International Law*. 11(2), 393-440
18. S/RES/2543. (2020). [https://undocs.org/en/S/RES/2543\(2020\)](https://undocs.org/en/S/RES/2543(2020))
19. S/RES/2593. (2021). at: [https://undocs.org/en/S/RES/2593\(2021\)](https://undocs.org/en/S/RES/2593(2021))
20. Soheili najafabadi, S., Hossein Khani, E., Amoui, H. (2020). Investigating the Future of NATO Presence in the Middle East and the Surrounding Environment of Iran and Its Impact on the National Security of the Islamic Republic of Iran. *International Studies Journal (ISJ)*, 17(1), 169-193. doi: 10.22034/isj.2020.118580 **(In Persian)**
21. S-PV-883. (2021), at: <https://www.securitycouncilreport.org/un-documents/document/s-pv-8831.php>
22. Twelfth Report of the Analytical Support and Sanctions Monitoring Team submitted Pursuant to Resolution 2557, (2020): Concerning the Taliban and other Associated Individuals and Entities Constituting a Threat to the Peace Stability and Security of Afghanistan [https://www.securitycouncilreport.org/un\\_documents\\_type/sanctions-committee-documents/?ctype=Terrorism&cbtype=terrorism](https://www.securitycouncilreport.org/un_documents_type/sanctions-committee-documents/?ctype=Terrorism&cbtype=terrorism)
23. Volger, H. (2010). *A Concise Encyclopedia of the United Nations*. Second Revised Edition, Martinus Nijhoff Publishers.
24. Weller, M. (2021). Myanmar: Testing the Democratic Norm in International Law, at: <https://www.ejiltalk.org/myanmar-testing-the-democratic-norm-in-international-law/30-march-2021>
25. Wet, E. (2019). The Role of Democratic Legitimacy in the Recognition of Governments in Africa since the end of the Cold War. *International Journal of Constitutional Law*, 17(2), 470-478. doi: 10.1093/icon/moz036.
26. Wolfrum, R. (2002). The Status of the Taliban: Their Obligations and Rights under International Law, *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, 6, 559-601.